



# همبستگی هفتگی

# ۸

۲۹ تیر ۱۳۸۰  
۲۰ ژوئیه ۲۰۰۱

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

## همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: مهرانوش موسوی  
دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582  
فکس: 00 358 631 542 53  
mehrnousch@aol.com  
tavakoli@hotmail.com

## صدای همبستگی

شنبه ها در  
رادیو انترنسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

به

فدراسیون سراسری

پناهندگان

کمک مالی

کنید!

همبستگی هفتگی

را تکثیر

و پخش

کنید!

## چه کسی همبستگی را بنیان نهاد؟

مهرانوش موسوی



منصور حکمت

منصور حکمت پیش برده است. در دوازدهمین سال تشکیل همبستگی به همراه همه کادرها و فعالین همه دوستداران و اعضا فدراسیون به تلاشهای بی وقفه او ارج میگذاریم، دستانش را میفشاریم!

انسانی، برای تغییر زندگی انسان. همبستگی امروز سازمانی قوی، دخالتگر و اومانیست و رادیکال است. شناخته شده و معتبر است. وجودش جزو مفروضات است. ۱۲ سال پیش چنین نبود. برای اثبات مطلوبیت این پروژه، مقبولیت یافتن آن و راه افتادن آن منصور حکمت تلاش بی وقفه ایی را پشت سر گذاشت. نه فقط در آن زمان بلکه همبستگی همیشه پیشروهای خود را با تکیه به حمایت سیاسی، معنوی و فکری

حکمت رهبر آن است جنبش آزادی و برابری و رفاه و خوشبختی انسان است. منصور حکمت با پایه ریزی شبکه های انسانی همچون همبستگی و یا کمپین دفاع از حقوق کودکان و یا تلاش و مبارزه بی وقفه برای برابری حقوق زنان نام خود و جنبشی را که رهبری میکند با انسانگرایی عمیق و امانیسم پیوند داد. این یکی از بنیادهای کمونیسم منصور حکمت است. دخالت فعال در سرنوشت انسانها، مبارزه برای بهبود زندگی

دوازده سال پیش همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان را منصور حکمت طرح ریزی کرد. پروژه ایجاد این شبکه انسانی، این سازمان سراسری بین المللی با اهداف و آرمانهایی انسانی، پروژه منصور حکمت است. منصور حکمت با تلاش و مبارزه خود در شکل دادن به این جریان نقش اصلی و تعیین کننده را داشت. منصور حکمت لیدر حزب کمونیست کارگری ایران و رهبر جنبش کمونیسم کارگری است. جنبشی که منصور

## مصاحبه با مریم نمازی

## بمناسبت سالگرد تشکیل فدراسیون سراسری پناهندگان!

منصور حکمت شروع شد، امروز یکی از موفقیتهای درخشان در تاریخ مبارزاتی ایرانیان آزادیخواه می باشد. اما هنوز باید بیشتر فعالیت کرد، باید پر نفوذتر شد، قابل دسترس تر شد، قدرتمندتر شد، باید امکانات مالی بیشتری داشت، باید تعداد بیشتری را به مبارزه در دفاع از حقوق پناهندگی و علیه جمهوری اسلامی جلب کرد، باید دولتهای ضد پناهنده و سازمان ملل را

اسلامی حقانیت ببخشند و پناهجویان را رد و دیپورت کنند؟ فعالیتهای فدراسیون در مبارزه با جمهوری اسلامی را چطور می شود ارزیابی کرد؟ این فعالیتهای واقعا غیر قابل اندازه گیری اند. اما چیزی که می شود براحتی گفت این است که بدون ۱۲ سال دخالت بی وقفه فدراسیون و جریان ما، شرایط امروز پناهجویان ایرانی غیر قابل تصور و تحمل بود. پروژه های ۱۲ سال پیش به همت

جلوگیری شد و حتی در مواقع زیادی از چنگ مقامات ایران در فرودگاهها و مرزها نجات پیدا کردند، آنهایی که بخاطر ما امروز زنده اند، آنهایی که بخاطر دخالت ما خودکشی نکردند، لب ندوختند، خود سوزی نکردند، ایزوله نماندند، بلکه به یک مبارزه مثبت، سیاسی، متشکل و پیشرو پیوستند. چند نفر به برابری طلبی، به ضدیت با جمهوری اسلامی، به افکار ضد راسیستی و غیره پی بردند؟ چند دولت بخاطر فدراسیون براحتی نتوانستند به جمهوری

امیر توکلی: از تشکیل فدراسیون سراسری پناهندگان ۱۲ سال میگذرد، شما چه ارزیابی از نتیجه فعالیتهای آن دارید؟

مریم نمازی: به نظرم ارزیابی از نتیجه ۱۲ سال فعالیت فدراسیون کار بسیار مشکلی است. بخصوص چون این فعالیت مستقیما بر زندگی دهها هزار، و غیر مستقیما بر زندگی میلیونها انسان تاثیرات جدی گذاشته است. تعداد بیشماری که بخاطر فدراسیون حق پناهندگی گرفتند، از بازداشتگاه آزاد شدند، از دیپورتشان

## گرامی باد یاد غلام کشاورز

یکی از بنیانگذاران همبستگی!

صفحه ۲

## علیه اخراج چه باید کرد!

صفحه ۳

رویدادهای مهم پناهندگی هفته

صفحه ۳

چه شد که دست از تعلقات ملی برداشتم!

صفحه ۴

## مرگ بر جمهوری اسلامی!

## مصاحبه با مریم نمازی بمناسبت سالگرد تشکیل فدراسیون سراسری پناهندگان

رسوایر کرد، باید زندگی انسانها را بهتر کرد... شاید از فعالیت‌هایمان راضی نباشم اما مفتخرم که در صف جنبشی بودم و هستم که با کمترین امکانات و با بیشترین مشکلات، تاثیرات غیر قابل اندازه گیری را بر زندگی واقعی انسانهای بیشماری داشته است. **امیر توکلی:** لطفا چند نمونه فدراسیون در سالهای اخیر داشته است را ذکر کنید؟

برخورداری از حق پناهندگی می‌شوند. در مورد نمونه‌های بزرگتر هم مثالهای زیادی وجود دارد. فدراسیون و جریان ما، تظاهراتها، تحصنهای ملاقاتهای متعدد با مقامات دولتی و غیر دولتی در آلمان باعث شده است توازن قوا به نفع پناهنده و علیه جمهوری اسلامی کلا عوض شود. در انگلیس، فدراسیون به سخنگوی "کاروان حقوق مدنی" تبدیل شده است در حالی که بیش از ۱۰۰ سازمان معتبر و پرنفوذ در آن عضو بودند یا از آن حمایت می‌کردند. این کاروان به ۱۴ شهر در انگلیس سفر کرده و در هر شهر تاثیرات جدی و مثبت در زندگی پناهنجویان بوجود آورده است - از گروههای حمایتی تا بهبود شرایط زندگی، دسترسی به وکیل و دکتر و اطلاعات در مورد حقوق خود و غیره. تاثیرات کاروان در بمیدان کشاندن بحث پرو-پناهنده و ضد راسیسم، شرایط در انگلیس را به نفع پناهنده کلا از چند سال پیش بهتر کرده است. در سوئد، تحصنهای و تظاهراتهای متعدد باعث قبولی تعداد زیادی شده است. کارهای موفق فدراسیون در سالهای پیش هنوز بر زندگی امروز پناهنجویان تاثیر دارد. کمپین موفق فدراسیون در هلند در ۱۹۹۷

علیه دیپورت پناهنجویان ایرانی که یک وزیر را به استیضاح کشانده بود، باعث شده است که تا امروز پناهنجویی به ایران دیپورت نشود. کمپین ما در ترکیه در ۱۹۹۷ باعث شد که قانون آن کشور تغییر پیدا کند و مهلت برای معرفی و فرجام طولانی‌تر شود. در کردستان عراق فدراسیون هم اکنون درگیر یک مبارزه سخت بر علیه سازمان ملل است که زندگی را بر پناهندگان سیاه تر از آنی که هست کرده اند. پناهنجویان هم اکنون در آنجا در تحصن اند و ما در این مورد تاکنون فراخوانهای متعددی برای کمک به آنها داده ایم. **امیر توکلی:** آیا فعالیتهای شما بیشتر در زمینه حقوق پناهندگی است، یا در رابطه با پایمال شدن حقوق انسانی در داخل ایران هم فعالیتهایی دارید؟ **مریم نمازی:** بنظم نمی‌شود این دو را از هم جدا کرد. بخاطر اینکه پایمال شدن حقوق مدنی، اختناق، خشونت، آپارتاید جنسی و سرکوب جمهوری اسلامی مسبب فرار میلیونها انسان از ایران است. برای اینکه از حق پناهندگی دفاع کنیم، باید جمهوری اسلامی را افشا کنیم، علیه‌اش اعتراض کنیم و نیرو جمع کنیم و خواهان سرنگونی‌اش باشیم. در ماهنامه حقوق مدنی در ایران، در

سخنرانی‌ها در مجامع بین‌المللی، در مطبوعات، در جلسات عمومی، در ارتباط با سازمانها و اتحادیه‌های کارگری، در مذاکره با دولتها، در کمپینهای متعدد، فدراسیون جنایات این رژیم را افشا می‌کند، علیه حضور رژیم در خارج نیرو بسیج می‌کند و برای مبارزات برحق مردم در ایران برای سرنگونی این رژیم همبستگی و حمایت جلب می‌کند.

**امیر توکلی:** نفوذ و رابطه فدراسیون در میان سازمانهای بین المللی مثل یو ان و یا سازمانها و احزاب مدافع حقوق بشر تا چه حد است؟

**مریم نمازی:** فدراسیون با صدها سازمان در ارتباط و شناخته شده است. اسم ما، فعالیت ما و موضع ما برای همه اینها شناخته شده و اهداف ما در دسترس شان است. برای مثال، تلویزیون ABC در استرالیا که با من پیش از سنگسار مریم ایوبی مصاحبه کرده بود، دقیقا با موضع ما در مورد سیاست راست دولت استرالیا آشنا بود و آخرین اطلاعیه‌های ما را نیز دریافت کرده بود. یا هفته پیش عفو بین‌الملل انگلیس که جلسه‌ای سازمان داده بود تا پیشنهاداتی برای کمپینهای در دفاع از حق پناهندگی زنان بگیرد، از من و ۳۰ نفر متخصص دیگر دعوت بعمل

آورد. همچنین اخیرا کنفرانسی در کانادا در همین زمینه از من و دیگر شخصیتها از سازمان ملل، عفو بین‌الملل و نمایندگان از چند دولت دعوت کرده بودند تا در کمیته مشاوره بین‌المللی "این کنفرانس باشیم. البته اینطور نیست که دولتها سازمان ملل پی برده‌اند که فدراسیون سازمان خوبی است و می‌شود در جهت حل مشکلات از آن یاری خواست. آنها تا می‌توانند فعالین ما را تهدید می‌کنند، آنها را لو می‌دهند و دستگیر می‌کنند، فعالیت سیاسی را غدغن و سعی می‌کنند پناهنده را از ما دور کنند. اگر امروز در جلسات شان دعوت می‌شویم و یا در کنفرانسهای مطبوعاتی شرکت می‌کنیم که همان بخشهای "افراطی" خودمان را در دفاع از حقوق و شان و منزلت انسانها مطرح کنیم، دلیلش قدرت ماست که دیگر اینها نمی‌توانند ما را نادیده بگیرند. مبارزه ما نشان داده است که دسترسی به این ارگانها، مطبوعات، افکار عمومی و تغییر شرایط به نفع پناهنده، به قدرت ما برمی‌گردد، به توازن قوا بر می‌گردد.



## گرامی باد یاد غلام کشاورز یکی از بنیانگذاران همبستگی!



غلام کشاورز

پس از آزادی از زندان بعد از مدت کوتاهی که از عمر فعالیت او در یک گروه چپ می‌گذشت به جریان اتحادمبارزان کمونیست یعنی هسته اولیه جریانی که بعدها حزب کمونیست کارگری ایران را شکل داد پیوست. غلام در تمامی سالهایی که با این جریان بود چه در داخل کشور در سالهایی که جمهوری اسلامی بر تلی از اجساد بهترین فرزندان این مردم استوار شد، چه در کردستان و چه در خارج کشور لحظه‌ای از مبارزه تلاش و کوشش برای ایجاد یک دنیای بهتر باز نایستاد.

تلاش و مبارزه غلام به عنوان یک کمونیست برای ایجاد همبستگی تنها جلوه کوچکی از آرزوها جلوه کوچکی از تلاشهای این انسان بزرگ بود. همبستگی و فعالین و دوستداران آن نه امروز که دیروز هم به این مفتخرند که وجود چنین سازمان انسانی، چنین شبکه اجتماعی و وسیع، با اسم، با تلاش و رسم کمونیستهایی چون غلام تداعی میشود.

زنده باد یاد غلام کشاورز!

مرگ بر جمهوری اسلامی، جمهوری ترور و قتل و کشتار!

بستگانش در کشور قبرس توسط تروریستهای رژیم به وسیله رگبار گلوله وحشیانه به قتل رسیدند.

غلام در روستای نارک از توابع دوگنبدان به دنیا آمد و تا زمانی که به دانشگاه راه پیدا کرد در آنجا زندگی میکرد. سال ۵۴ در دانشکده کشاورزی کرج دست به تشکیل یک محفل کمونیستی زده و به فعالیت پرداخت. غلام را مأمورین ساواک دستگیر کرده و در سال ۵۵ روانه اوین کردند. غلام علیه‌رغم فشار و شکنجه لب باز نکشود و تا سال ۵۷ زمان قیام مردم و آزادی

این هفته سالگرد دوازدهمین سالگرد تشکیل همبستگی است. نسل جدید فعالین و دوستداران همبستگی شاید او را نشناسند. غلام کشاورز یکی از بنیانگذاران همبستگی بود. اولین سخنگوی فدراسیون بود. یکی از کسانی بود که به همت و تلاش او این شبکه انسانی و رادیکال شکل گرفت. غلام کشاورز یک کمونیست انقلابی بود، که بیشترین سالهای زندگی خود را صرف مبارزه علیه نابرابری، خفقان و بی عدالتی کرده بود. غلام کشاورز در ۲۶ اوت ۱۹۸۹ در مقابل چشمان مادر و همسر و

## رویدادهای مهم پناهندگی هفته



فرشاد حسینی

fir@ukonline.co.uk

کرده بودند، توسط پلیس دستگیر و تحویل دادگاه میشوند. در اثر شرایط غیر انسانی حاکم بر بازداشتگاههای استرالیا، ۷ پناهجوی ایرانی در این روز فرار میکنند. متعاقب آن پلیس اقدامات تفحصی وسیعی را انجام داده و موفق به دستگیری ۴ تن میشود. این ۴ پناهجوی ایرانی در حال حاضر در زندان و منتظر دادگاه میباشند. پرویز افتخاری ۷ آگوست در شهر آدلاید دادگاهی خواهد داشت. و مرتضی دهقانی، حمیدرضا نوروزی، و علیرضا سهرابی ۲ آگوست در پرت دادگاهی میشوند. مقامات مهاجرت استرالیا همچنین اعلام داشتند، سه تن دیگر از فراریان که هنوز دستگیر نشدند بنامهای جواد رجبی، حمید داوودی، و امین داوودی غیابا محاکمه خواهند شد.

**اتحادیه اروپا:** در نشست روز پنجشنبه ۱۲ ژوئیه اتحادی اروپا، طرحی بتصویب رسید که بر اساس آن کلیه دولتهای عضو موظف به هماهنگ سازی سیستم گرین کارت برای مهاجرین قانونی و از بین بردن محدودیتهای استخدام کارگران مهاجر در بازار کار اروپا، می باشند. در این جلسه از اعضای اتحادیه خواسته شد تا در خصوص ورود و اقامت کارگران مهاجر قوانین استاندارد شده و مشترکی را بتصویب برسانند. طبق این طرح مهاجرینی که کارت سبز دریافت میکنند حق کار و زندگی در کشورهای دیگر اروپایی را نخواهد داشت. و تنها پس از پنج سال اقامت در یک کشور اروپایی از حق نقل و انتقال آزادانه برخوردار خواهد گردید. این طرح همچنین تکمیل کننده طرحهای مشترک دیگر اتحادیه اروپا در خصوص مقابله با مهاجرین غیرقانونی، سیاستهای مشترک پروسه پناهندگی در اروپا و مبارزه با قاچاق انسان میباشد.

**آمریکا:** دولت آمریکا تصمیم دارد به ۳ میلیون مهاجر غیرقانونی مکزیک، در آمریکا اجازه اقامت قانونی دهد. جرج دبلیو بوش و دو تن دیگر از مقامات دولتی آمریکا طی پانل دولتی اظهار داشتند که دولت طرحی را برای صدور اجازه اقامت موقت برای کارگران خارجی در دست دارد. سخنگوی کاخ سفید نیز در این رابطه گفت که دولت آمریکا در نظر دارد به مهاجرین برای شغلهای بخصوصی اقامت موقت برای مدت معین دهد. این طرح قبل از اجرا توسط کمیسیون بطور کامل تنظیم شده و سپس رئیس جمهور آنرا بررسی کرده و سپس بمرحله اجرا گذاشته میشود. در سال ۱۹۸۶ نیز کنگره آمریکا طی عفو عمومی، به ۳ میلیون مهاجر غیرقانونی در آمریکا، که حداقل سه سال در آمریکا بسر برده بودند، اقامت قانونی تعلق گرفت. در رابطه با این طرح هیچیک از مقامات دولتی تا کنون جزئیات بیشتری را شرح نداده اند.

**اسپانیا:** روز یکشنبه پلیس اسپانیا اجساد ۶ پناهجو از شمال آفریقا در سواحل جنوبی اسپانیا پیدا کرد. رسانه های گروهی اسپانیا اظهار داشتند که در روزهای جمعه و شنبه گذشته، بیش از ۳۰۰ پناهجو خود را به سواحل جنوبی اسپانیا رساندند.

**ایتالیا:** دولت ایتالیا در تدارک تصویب قانون جدیدتری در مورد پناهندگان و مهاجرین میباشد. وزیر کار ایتالیا روبرتو مارونی اظهار داشت که قانون جدید در خصوص مهاجرین تنها به مهاجرینی اجازه اقامت میدهد که شاغل بوده و دارای تخصص حرفه ای باشند. وی در مورد پروسه تحقق قانون جدید گفت در حال حاضر ما نیازمند به تحقیقات و اطلاعات بیشتری در مورد تعداد مهاجرین هستیم پس از آن کمیته ای تشکیل خواهد شد که کار پروسه قانونی سازی مهاجرین در ایتالیا را دنبال خواهد کرد. در این کمیته وزرای رفاه، کشور، امور خارجه، صنعت و دادگستری شرکت داشته و ریاست آنرا معاون نخست وزیری بعهده خواهد داشت.

**استرالیا:** چهار پناهجوی ایرانی که در تاریخ ۸ ژوئن از بازداشتگاه ومه در سیدنی فرار

## علیه اخراج چه باید کرد!

پناهجو و پناهنده پذیر از همین لحظه دریافت جواب شروع میشود. زمانیکه پناهجو حکم ترک خاک میگیرد یعنی سوت پایان پروسه پناهندگی اش بصدا در آمده است. بمحض ابلاغ این حکم، پناهجو از پوشش های حقوق برای دفاع از خودش محروم شده و امکانات رفاهی اش قطع میشود. حکم ترک خاک در اکثر کشورهای اروپایی مشمول فرجام خواهی و استعلام نمیشود. و در مواردی که پناهجو حق فرجام خواهی دارد، امکان پذیرش فرجامش بسیار ضعیف است. و امکان دستگیری و اخراجش بسیار زیاد است. در موارد بسیاری پناهجویی که منتظر دریافت جواب فرجام خواهی اش بوده، بازداشت شده و در بازداشتگاه پی میبرد که درخواست فرجامش رد شده و حالا باید در انتظار بازگشت باشد. در کشوری که پناهجو حق فرجام خواهی علیه حکم ترک خاک را ندارد، مهمترین اقدام قانونی، تلاش برای بازگشایی پرونده است. و اینکه پناهجو با وارد نمودن اطلاعات و دلایل جدیدتری به کیس اش، اقدام به بازگشایی پرونده خود کند. در جاهایی که حق فرجام خواهی وجود دارد، تنظیم درخواست فرجام باید توأم باشد با موارد و اطلاعات جدیدی که بازگشت او به کشورش را مشکلتر از قبل جلوه سازد. و مثلاً کلیه فعالیتهای سیاسی ایی را که در محل در آن شرکت نموده را برجسته ساخته و خطراتی را که از بابت اینگونه فعالیتهای در کشورش تهدیدش میکند را بیان نماید. و یا تهیه مدارک جدیدی که نشان دهنده موقعیت خطیرش در ایران باشد. در کل نباید پناهجویان به کانالهای قانونی اعتراض

صفحه ۴

دول اروپایی عملی کردن اخراج بمراتب پیچیده تر سختتر و حساستر از صرف صدور حکم اخراج است. برای همین هم همیشه و در بسیاری از کشورهای اروپایی، آمریکا و آمریکای شمالی بین آمار صدور حکم اخراج تا عملی کردن اخراج تفاوتی بالا و فاحشی وجود دارد. و این بخاطر وجود تلاشها و مبارزاتی است که در این فاصله عمل میکنند. از اینرو دانستن این مکانیسمها و این امکانات جلوگیری از خروج برای هر پناهجو اهمیت دارد. مکانیسمهای قانونی معمولاً کمک میکنند که پناهجو فرصت بیشتری بخرد تا تلاش بیشتری را سازمان بدهد، در مواردی به گشایش پرونده کمک میکند ولی تمرکز کار را باید روی تلاش و مبارزه سیاسی علیه اخراج گذاشت. تلاش حقوقی گوشه ای از کل این فعالیت است.

**مهرنوش موسوی:** آیا به نظر شما پناهنده ایی که حکم ترک خاک گرفته است، میتواند به استعلام امیدوار باشد، آیا تا وقتی که استعلام کرده است میتواند مطمئن باشد که دستگیر و برگردانده نمیشود؟

**فرشاد حسینی:** کلا بنظر من معنی عملی دریافت هر جواب منفی به درخواست پناهندگی این است پروسه اخراج باز شده است. از همین لحظه پناهجو باید جنگ و تلاش اش را برای کسب حق پناهندگی شروع کند. حالا چه از طریق ملاقات با وکیل و روشن کردن ابهامات موجود در کیس پناهندگی و برجسته نمودن دلایل اصلی ترس موجه اش از تعقیب و چه از طریق پیدا کردن و چفت شدن با تشکیلی که برای کسب حق پناهندگی مبارزه و فعالیت میکند. این کشمکش بین

**مهرنوش موسوی:** مقابله با اخراج همانطور که میدانید یکی از مهمترین مسائلی هست که در چند سال اخیر موضوع کشمکش و مقابله پناهجویان با دولتهای پناهنده پذیر غرب بوده است، اگر پناهنده ایی در معرض اخراج قرار داشت قبل از هر چیز چه باید بکند؟

**فرشاد حسینی:** قبل از هر چیز باید همه پناهندگان اخراجی بدانند که توقف اخراج از کانال فشار و مبارزه متحد و غیر حقوقی میگذرد. باید اعتراضیه نوشت باید استعلام خواست ولی حرف آخر توقف اخراج را مبارزه میزند. در عین حال در حال حاضر شیوه ها و پروسه های اخراج در کشورهای مختلف متفاوت است. برای اقدامات قانونی و عملی در مقابله با اخراج باید حتما مکانیسمهای اخراج در هر کشوری را مد نظر داشت. منظورم این است که باید دید پناهنده در کدام کشور در خطر اخراج است و قوانین اخراج و توقف اخراج در آن کشور معین چگونه عمل میکنند. برای همین هم اولین توصیه ما این است که پناهجوی در خطر اخراج قبل از هر چیز واحد فدراسیون کشور خود را در جریان امر قرار دهد. و به توصیه های مسئولین فدراسیون محل به دقت عمل نماید. نکته دیگر این است که پناهنده در چه مرحله ای از اخراج قرار گرفته است. آیا حکم اخراج دریافت کرده، در بازداشت مخصوص دیپورتی ها بسر میبرد، آیا امکان قانونی فرجام خواهی را هنوز دارد و یا اینکه آیا در انتهای پروسه پناهندگی خویش قرار گرفته و غیره. از سوی دیگر بین صدور حکم اخراج تا پروسه عملی اخراج عوامل بازدارنده و پیشبرنده زیادی وجود دارد. برای

از سایت همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان دیدن کنید

[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

جدیدترین اطلاعاتی های فدراسیون، جدیدترین شماره نشریه همبستگی، آخرین اخبار و رویدادهای پناهندگی و مقالات متنوع دیگر را میتوانید مطالعه کنید.

# چه شد که دست از تعلقات ملی برداشتم!

مسعود شیرازی

رفت و آمدهایم به این جمع ها مرا به فکر کردن واداشت و به تدریج هم تعلقات دیگری برابم به همراه آورد. تعلق ملی را همین الان هم خجالت میکشم که روزی با خودم داشتم. الان احساس هیچ همسنوشتی با صرف ایرانی بودن با یک نفر نمیکم، بارها مجبورم در بحث با همدوره ایهایم بگویم رفسنجانی هم ایرانی است! الان درک میکنم که خود همین تعلقات ملی چه پدری از ما پنهانده ها در آورده است، از قبل همین تعلق ملی است که راسیسم را پرورانده و به جان ما و مردم می اندازند. من الان میفهمم که همین ناسیونالیسم و تعلق ملی چه بلایی بر سر تمام انسانها در آورده است. جایی روی این کره ارض نیست که به این خاطر کشت و کشتار نشود، تحقیر و سرکوب صورت نگیرد. من خیلی وقت است که به انسان بودنم افتخار میکنم و نه به ایرانی بودن!

مشتی و عجب زندگی در ایران داشتیم را اصلاً نمیتوانستم بخوابم اصلاً نمیتوانستم حسرت زندگی را بخورم که جا گذاشته بودم چون همش در بیدری و بدبختی و محرومیت بود. وطن برای خیلی از آنها خاطرات زندگی گذشته شان در ایران بود و من از این جنبه بی وطن بودم چون گذشته چیزی نداشت که برایش حسرت بخورم. در جریان زندگی و ستمهایی که به خودم به عنوان یک خارجی میرفت یک روز از خودم میپرسیدم که من شبانه روز مشغول توضیح این مسئله هستم که بابا انسان انسان است، این قدر نپرسید از کجا آمده ای؟ پس این حرفها را گویی این به خودت میزنی؟ برای تفنن به محل جلسات و برگزاری مراسم های مختلف سیاسی میرفتم. در یکی از این جلسات کلماتی شنیدم که در فرهنگ لغاتم بود ولی آنها را گم کرده بودم. انسانیتم، هم سنوشتی، ممنوع بودن!

من که اصلاً نمیتوانستم اریتره در کجای این کره ارض هست فهمیدم که سالهاست با اتیوپی جنگ دارد. بعدها فهمیدم که ناسیونالیسم پدر مردم هر دو کشور را در آورده و سالهاست یک جنگ و کشتار را به آنها تحمیل کرده است. این ۳ روزه دست بر قضا من به مصاحبه پنهاندرگی برده شدم. در مصاحبه درست رفتاری را با خودم کردند که من با آنها کرده بودم. به من میفهماندند که تو به خاطر پول اینجا آمدی و نه مسائل سیاسی. مدتی بعد به خودم میگفتم اگر اطلاعات امروز را داشتم میگفتم آقای محترم در مملکت ما نان نداشتن هم مشکلی سیاسی است! از طرف دیگر واقعیت این بود که من خودم هم از لحاظ زندگی اقتصادیم در ایران واقعا در مضیقه بودم و این یکی از دلایل اصلی فرار من بود. در جمع به اصطلاح هموطنانم هم بیشتر احساس غربت میکردم. حسرت بستنی اکبر

من حالی کرد که امکان دیگری نداریم. با عصبانیت به اتاقم برگشتم و بدون توجه به آن دو جوان لباسهایم را در کمد گذاشتم زیر چشم نگاهی بهشان انداختم و در دلم گفتم ما سیاسی هستیم، شما گدا گشنه ها برای چی اینجا می آید. همین شماها باعث میشوید که آدم هر چه میگوید سیاسی هستم کسی باور نمیکند، مملکت خودتان می ماندید شما را چه به اروپا! همینطوری که داشتم ردهان میکردم، پیش خودم حرص میخوردم و دیپورت و سوار هواپیمایشان میکردم، یکی از آنها جلو آمده دستش را به طرفم دراز کرد و به انگلیسی گفت من توگو هستم از اریتره می آیم. من که مانده بودم چه کنم به زور دستم را بیرون آوردم و گفتم من هم مسعود هستم و از ایران می آیم. دوسه روزی در اتاق کم کم وارد صحبت با آنها شدم و

من هشت سال پیش به اروپا آمدم و پنهانده شدم. راستش در خارج کشور یک سری کلمات برایم مفهوم جدیدتر و زنده تری پیدا کرد. ایرانی، خارجی، غربت، هموطن، و لغاتی که فقط میدانستم در فرهنگ لغات ما وجود دارند ولی مورد مصرفش را بیش از پیش در خارج فهمیدم. نه اینکه من هم هموطن بودن و ایرانی بودن را دوست نداشتم، بلکه اینجا روزمره با آن سر و کار داشتم. یادم هست اولین باری که از فرودگاه بیرون آمدم و مرا به یک کمپ پنهاندرگی فرستادند با دو نفر جوان افریقایی هم اطاق شدم. فوراً بدون معطلی به دفتر کارمند اداره سرپرستی پنهاندرگان رفتم و در حالیکه سبیلهایم از خشم میلرزید گفتم یعنی چه؟ چه معنی دارد که مرا با اینها هم اطاق کرده اید؟ کارمند مزبور که از نظر او هم حتماً همه ما مثل هم بودیم و فقط با خود او فرق داشتیم با زبان سرخپوستی به

ادامه:

## علیه اخراج چه باید کرد!

دلایل جدید برای درخواست پنهاندرگی اش ارائه نماید میتواند بطور قانونی اقدام به پنهاندرگی مجدد کند. اما این مدت ذکر شده برای کسانی است که حتی در فرجام خواهی هایشان به فعالیتهای سیاسی اشان در محل اشاره نکرده، و یا اصلاً فعالیتی در این رابطه نداشته اند. در هر حال این شانس برای درخواست مجدد همواره برقرار است بشرط اینکه دلایل جدید قویتر و روشن تر باشد.

از پروسه است و در موقعیت غیر قانونی قرار گرفته است، میتواند پس از مدت معینی (که معمولاً در بسیاری از کشورها یک مدت شش ماهه است) مجدداً درخواست پنهاندرگی دهد. برای ارائه درخواست پنهاندرگی پس از این مدت پناهجو باید بتواند اثبات کند که طی این مدت بر اثر فعالیتهایی که انجام داده خطرات جدیتری تهدیدش میکند. البته لازم به ذکر است که هر پناهجو در هر لحظه ایی که بتواند

روی پرونده زیاد توهم به دل راه بدهند. **مهرنوش موسوی:** پنهاندرگانی که خودشان را مخفی میکنند، در چه صورتی دوباره شانس معرفی خود و پنهاندرگی مجدد را دارند؟ **فرشاد حسینی:** این دو حالت دارد یا پناهجو خارج از پروسه پنهاندرگی است یا هنوز پروسه قانونی پنهاندرگی اش باز است اما از ترس دیپورت خود را مخفی کرده است. برای دسته اول یعنی پناهجویی که خارج

## دبیرخانه مرکزی

مریم نمازی دبیر فدراسیون  
فرشاد حسینی معاون دبیر و مشاور مسائل پنهاندرگی  
کیوان جاوید سردبیر نشریه هفتگی  
سیامک امجدی مسئول سایت در انترنت  
رامین نیاکان مسئول فاکسهای حمایتی  
نسرین رمضانعلی مسئول تشکیلات  
لادن داور مسئول مالی  
حبیب نصوحی دستیار مالی  
مهرنوش موسوی سردبیر هفتگی هفتگی و تهیه کننده و مجری صدای هفتگی  
امیر توکلی مسئول روابط عمومی و دستیار  
هفتگی هفتگی

جمال کمانگر مسئول کشورهای هم مرز  
جواد اصلانی دستیار سردبیر هفتگی انگلیسی و ماهنامه حقوق مدنی در ایران  
نیاز قانلی مسئول تبلیغات

تلفن: 00 447730107337

فکس: 00 448701294167

ifir@ukonline.co.uk

آدرس: PO.Box 27236 - London - N11  
2ZF - England

بیش از ده سال مبارزه پیگیر، بی وقفه و رادیکال توسط هفتگی – فدراسیون سراسری پنهاندرگان، باعث گردیده است چندین هزار پناهجوی ایرانی جان سالم از خطر دیپورت بدر برند و به کشورهای امن منتقل گردند. با پدیده هایی چون مردسالاری، ناسیونالیسم، مذهب و دیگر اراجیفی که سیستم سرمایه داری به خورد جامعه میدهد، سیستماتیک مبارزه شده است. با پیوستن به فدراسیون این صف را هر چه بیشتر تقویت کنید.

به فدراسیون سراسری پنهاندرگان بپیوندید!